۱۸۶

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

تولّد امام محمّد باقر را به همه‌ی شیعیان، همه‌ی مسلمین تبریک می‌گویم. ان‌شاءالله لایق باشیم که این تبریک ما را خودشان بپذیرند. البتّه ما امیدواریم که نه تنها بپذیرند جواب هم به ما بدهند، البتّه جوابی که از آنها انتظار می‌رود این است که در خودمان نگاه کنیم، یک تغییری باشد.

در رشته‌ی علوم که می‌شمارند، جامعه شناسی را یک رشته‌ای می‌دانند یعنی می‌گویند غیر از افراد که سرنوشتی دارند، خودِ جامعه هم یک سرنوشت مستقلّی دارد. البتّه نه تنها قرائنی بر صحّت این امر هست بلکه با استدلال علمی هم خیلی‌ها معتقدند که چنین چیزی هست. ما هم نمی‌گوییم نیست. نخیر، هست منتها همیشه اوامر الهی و نیّات خدا همانطوری که در اعمالِ افراد گاهی دیده می‌شود، همانطور در جامعه هم دیده می‌شود.

یک دوره قدرت خود اسلام و شروع اسلام بود و یک دوره انتقال قدرت سیاسی به آن دو نفر، جنبه‌ی عملی و الهی به علی، این هم یک دوره بود. تا بعد مردم دیدند که آخر علی هر دو جنبه را دارد، علی خلیفه شد. مردم فکر کردند که چون پیغمبر، هم جنبه‌ی سیاسی داشت و هم جنبه‌ی الهی، گفتند هر دو جنبه باید یکی باشد، علی باشد. بعد از همان جا معلوم شد نه، اینها باید دو تا باشند که حتّی چندی بعد از قاتل امام‌حسین علیه‌السلام پرسیدند که مگر تو نبودی که امام‌حسین را کشتی؟ گفت: چرا، امر خلیفه بود باید انجام می‌دادم. امر خلیفه‌ای مثل یزید را باید برای کشتن نماینده‌ی واقعیِ خداوند انجام بدهد! اینطوری، سلطه‌ی دنیا بر آخرت. این هم یک مرحله‌ای است. با آمدن امام‌حسین و شهادت آن حضرت و این وقایع جامعه‌شناسان معتقد شدند که این دین و دنیا از هم جدا است و قدرت دنیا ثابت شد و از آنوقت دنیا حکومت را به دست گرفت.

به‌هرجهت در این جریانات چون همیشه اهل دنیا و دنیا از عذاب الهی یک نگرانی دارند، واقعاً نمی‌ترسند، یک نگرانی دارند می‌لرزند، همیشه می‌خواهند این چراغ را خاموش کنند، البتّه نمی‌توانند: «هر آن کس پف کند یا ریشش بسوزد یا ریشه‌اش»، هر چی. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح شنبه، اوّل رجب ۱۴۳۷ قمری، ولادت امام محمّدباقر علیه‌السلام مطابق با ۱۳۹۵/۱/۲۱، جلسه خواهران ایمانی)

*****

پندصالح را همه بخوانید، خیلی ساده است. عبارات ساده‌ای هم دارد. البتّه شرحی هم که برای آن دادیم، هست. خداوند هر موجودی را که آفریده یک‌طوری است که کامل است یعنی برای بشر تقسیم دارد: غذا باید بخورد، آب باید بخورد، ورزش یعنی حرکت داشته باشد، نماز داشته باشد،

یک قسمتِ اساسی‌اش خواب است، باید هر بشری یک مقدار معیّنی بخوابد، این برحسب مزاج است یعنی یک ربع شبانه‌روز یا نیم‌ربع باید بخوابد و اگر نخوابد، نمی‌تواند زندگی کند. گواینکه این خواب برای اولیاءالله در اختیار آنهاست. راجع به پیغمبر هم آن سوره‌ی نمی‌دانم مزّمّل است یا مدّثّر که از خواب بیان کرده که چقدر از زندگی باید بخوابی. بعد می‌فرماید که هر اندازه برایتان میسّر است و می‌توانید، قرآن بخوانید. حالا یکی از آن دو که به دست خودِ ما نیست، هر چه خواب آمد. گاهی هم چند روز می‌شود خواب نمی‌آید ولی آن قسمتِ بعدی‌اش «قرآن بخوانید» در اختیار ماست. حالا که آن در اختیار ما نیست از اینکه در اختیار ماست باید بهره بگیریم. این است که دستور داده شده از اوّل اذانِ صبح بیدار باشیم تا طلوع آفتاب برای اینکه حدّ خواب مشخص باشد یعنی شب می‌خوابیم تا اذان صبح، اذان صبح بیدار بشویم. حالا اگر نمی‌توانید، جوانترها نمی‌توانند بیدار شوند بیشتر یا به‌واسطه‌ی کم‌خوابی است یا به‌واسطه‌ی رطوبت هواست. کم‌خوابی هم به‌واسطه‌ی تماشا کردن تلویزیون است. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح یک‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۲)

*****

هر یک از امامان بچّه‌ی بزرگشان را که احتمال می‌دادند این جانشین امام خواهد بود، امام فعلی و بعداً این امام است مراقب بودند و او را یک جنبه احترامی می‌گذاشتند برای اینکه در واقع گول بزنند. علی‌بن‌الحسین علیه‌السلام در جنگ عاشورا حضور داشت، در خیمه بود. شهدای کربلا که آمده بودند، البتّه نیّت‌شان این بود که دشمن را از بین ببرند و به این دلیل جنگ می‌کردند. حضرت امام زین‌العابدین (علی)، در آن روز تب سنگینی داشت مع‌ذلک وقتی صدای پدر را شنید که در صحرا می‌گوید: من کی هستم، من کی هستم، چرا با من جنگ می‌کنید؟ و بعد گفت: هَلْ مِنْ نَاصِرٍ یَنْصُرُنِی علی‌بن‌الحسین فرزندش، خیلی ناراحت شد و زود بلند شد مشغول لباس پوشیدن که به جنگ برود. حضرت زینب مثل اینکه باز متوجّه شدند یا چه کسی بود که دستش را گرفتند و گفتند: بنشین! تو باید بمانی، تو جانشین پدر هستی، باید بمانی.

از آن دوره باز یک دوره‌ی سالمی شد یعنی مسلّم شد که امر الهی بر این است که کار حکومت به دنیایی‌ها سپرده شود و این است که دوران آرامشی شروع شد که اوّلْ مولود این دوران حضرت امام محمّدباقر است. یک دوران آرامشی شروع شد که در زمان امامت حضرت باقر و حضرت صادق ادامه داشت و این دو نفر مجال و وقت داشتند که بسیاری از احکام اسلامی را بگویند و توضیح بدهند. به این جهت وقتی کسی روایتی می‌نویسد یا نمی‌داند این را امام باقر گفتند یا امام صادق، این دو تا را، هر دو یکطور می‌گویند. می‌گویند باقرین یعنی دو تا امام. حضرت باقر و حضرت صادق یا صادقین، به این جهت. یک دوران آرامشی که تمام کتب شیعه از فرمایشات این دو نفر است برای اینکه بعد از این دومرتبه همان خشونت شروع شد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۱، جلسه خواهران ایمانی)

*****

بشر بطورکلّی اینطوری است که برای خودش، قدرت و سلطنتی قائل است. عدّه‌ی کمی شاید به‌قولی از انگشتان دست تجاوز نکند، مثلاً می‌توانند به این وضعیت مسلّط باشند و اینکه واقعیت را درک کنند و خودشان تصمیم واقعی بگیرند. غیر از این تمام بشر (یعنی هر مخلوقی، هر موجودی) می‌گوید من اختیار دارم که هر کار می‌خواهم، بکنم. البتّه اسم این اعتقاد را در جامعه گذاشتند «آزادی» و این کلمه‌ای است که هم در جامعه، هم از لحاظ فردی، در مورد معنایش افراط می‌شود.

همیشه فکر کنید قضاوتی که می‌کنید، این قضاوت اگر مطابق موازین الهی، موازین شرعی، باشد، برای شما صددرصد درست است یعنی خدا اجازه داده همانطور که قضاوت می‌کنید، رفتار کنید ولی اگر درست نباشد، در این صورت قضاوت هیچ اثری ندارد و از همین جا هم اختلافات بین افراد پیدا می‌شود. هر کدام قضاوت را، نظریّه را، بر مبنای نظر خود و محور خود قرار می‌دهند یعنی مثل اینکه به این تصوّر است که دنیا آفریده شده برای اینکه من زندگی کنم. دنیا آفریده شده برای اینکه مخلوق خداوند زندگی کند. من هم یکی از این مخلوق هستم، اینطور فکر کنید درست است. نه اینکه دنیا برای من است و این مسأله در تربیت فرزندان خیلی مؤثّر است و باید رعایت بشود. عادت دادن فرزند به اینکه اوّلاً همه چیزها منتسب به خدا باشد تا بداند که خالق بزرگواری هست که همه‌ی اینها در اختیار اوست. با این فکر، تصمیم بگیرید و قضاوت را منطبق با موازین شرعی کنید تا ان‌شاءالله هیچ گرفتاری و هیچ دیوار و مانعی در مقابل شما نباشد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۷، جلسه خواهران ایمانی)

*****

بعضی‌ها به عنوان شکسته‌نفسی می‌نویسند: بدترین بنده ولی بدترین بنده، شیطان است. بنابراین ما هر چه هم بد باشیم در بدی به شیطان نمی‌رسیم. ننویسید «بدترین بنده»، بنویسید بنده‌ی حقیر، بنده‌ی گناهکار، از این چیزها. بطور مطلق هم شما از دیگران خبر ندارید. همانطوری که نمی‌توانید به خود بگویید «بهترین بنده» مگر خود خدا گفته باشد. این یک نکته که هم باید شکسته‌نفسی داشت و هم غرور، البتّه نه به آن معنای مذموم‌اش، بلکه اعتماد به نفس.

مسأله‌ی دیگر اینکه بعضی‌ها مطالبی می‌نویسند، مثلاً به مناسبت سالِ تشرّف‌شان و یادآوری می‌کنند. از این جهت خیلی خوب است که یادشان هست و به این مسأله یعنی مسأله‌ی تشرّف، اهمّیت خاصّی می‌دهند چون قاعدتاً تشرّف باید در زندگیِ هر درویشی مهم باشد. چون آن شخصی که مشرّف می‌شود، قبلاً طالب بوده یعنی وقتی که چیز مفید و خوبی را مطالبه می‌کرده و می‌خواسته. بنابراین، آن چیزی را که شما مطالبه کردید، طالب بودید و به آن رسیدید، شاید از بهترین نعماتی باشد که خداوند به شما داده و کاملاً مناسب و خوب است که در سالروزش هم یادش باشید.

در آن تعهّدات که با شما کرده‌اند، گفته‌اند که به همه‌ی خلق مهربان باشید. آیا شما مهربانی‌تان از یک‌سال پیش تا حالا که سالروز می‌گیرید، بهتر شده؟ امتحاناتی در زندگی

فـراهم می‌شـود، مـثلاً یکـی زنـدگی‌اش مشـکل دارد، آیـا دسـت‌تان می‌رسـد کـه ایـن مشـکل او را حـل کنیـد، آیـا ایـن قـدم را برداشـتید کـه حـل کنیـد؟ اینهـا همـه راههـایی اسـت کـه هـر کـدامش یـک قـدم، نـیم قـدم بـه سـمت جلـو اسـت. اینهـا را هـم بنویسـید کـه خودتـان بدانیـد. اگـر خیلـی هـم جالـب توجّـه اسـت، بنویسـید کـه دیگـران هـم بخواننـد. البتّـه توجّـه بکنیـد شـما کـه می‌خواهیـد این‌کـار را بکنیـد در ضـمن آن کـار، خودتـان گنـاه نکـرده باشـید یعنـی بـرای خودشـیرینی و بـرای اینکه خودی نشان بدهید، نباشد که تصوّر کنید این خوبی‌ها را کردید.

بـه‌هرجهت ایـن یک‌سـالی کـه گذشـته بـیلان آن یک‌سـال را بدهیـد یعنـی ببینیـد چـه کرده‌ایـد؟ چطـور پـیش رفته‌ایـد؟ آیـا عمرتـان بیهـوده تلـف شـده؟ مثـل شـرکت‌های تجـارتی باشـید کـه هـر سـال گزارشـی بـه مجمـع عمـومی می‌دهنـد، یکـی بـیلان گذشـته را می‌دهنـد یعنـی می‌گوینـد کـه مـا تـا حـالا چـه‌کار کـردیم و یکـی برنامـه و جنبـه‌ی کـار آینـده را. «حـال» در واقـع تمـاسِ دو تـا معـدوم اسـت: گذشـته و آینـده. گذشـته یعنـی تـاریخِ قضـایا، آینـده هـم یعنـی ببینیـد می‌خواهیـد چـه‌کار کنیـد، چـه برنامـه‌ای بریزیـد کـه ان‌شـاءالله بیشـتر و بهتـر کـار بکنیـد. در ایـن صـورت اگـر باشـد، بسـیار خـوب اسـت. البتّـه لازم نیسـت بـیلان را بـه کـس دیگـر بدهیـد، بـیلان را فقـط خودتـان بایـد بدانیـد. بدانیـد چـه کرده‌ایـد و کجـایش درسـت اسـت، کجـایش غلـط اسـت ولـی برنامـه را بایـد بـرای آینـده بگذاریـد. آینـده هـم در اختیـار مـا نیسـت، هـیچ شـرکتی هـم حتّـی آینـده را صـریحاً نمی‌گویـد یعنـی نمی‌توانـد بگویـد، خبـر نـدارد. اینهـا هـر دو، هـم بـیلان و هـم برنامـه، در تصـویب شـرکت‌های تجـاری مـؤثّر اسـت. شـما هـم بـه همـین طریـق بایـد بـیلان و برنامـه را بنویسـید کـه مـورد تأییـد جمعیـت و مـردم قـرار بگیـرد. در این‌کـار هـم همـان یـادبود سـال کـه انجـام بدهیـد، خـودش حاصـل می‌شـود. ان‌شـاءالله موفّـق باشـید. (برگرفتـه از گفتارهای عرفانی صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۵)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح‌الشریعة و مفتاح‌الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، مصافحه، عشق)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت‌وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشرشده است.
جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.